

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
Recognition of Theoretical Domains Related to  
Urban Rhythms Using Systematic Metasynthesis  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله مروری

بازشناسی حوزه‌های نظری مرتبط با ریتم‌های شهری با به کارگیری  
فرا ترکیب نظام‌مند\*

عظیمه مسیبه<sup>۱</sup>، محمود قلعه نویی<sup>۱\*</sup>

۱. گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸

چکیده

**بیان مسئله:** مفهوم «ریتم‌های شهری» در نگاه نخست معمولاً به‌عنوان الگوهای تکرار شونده زمانی یا رویکردی تکنیکی به زندگی روزمره شهری فهمیده می‌شود. با این حال، ورای این برداشت سطحی، لایه‌های عمیق‌تری از معنا و نظریه نهفته است که تاکنون به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده‌اند. در نتیجه، نیاز به بازشناسی و طبقه‌بندی مفهومی این حوزه به‌منظور فهم بهتر پویایی‌های فضایی-زمانی در شهر معاصر احساس می‌شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که حوزه‌های نظری اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری کدام‌اند و چگونه می‌توان آنها را از طریق رویکردی نظام‌مند شناسایی، طبقه‌بندی و بازنمایی مفهومی کرد؟

**هدف پژوهش:** هدف پژوهش، توسعه چارچوبی نظری برای شناسایی، سازمان‌دهی و تبیین تعامل میان مفاهیم کلیدی در حوزه ریتم‌های شهری با تأکید بر نظریه ریتم‌تحلیل لوفور است.

**روش پژوهش:** این پژوهش با اتخاذ رویکردی ترکیبی، در دو مرحله انجام شد. در گام نخست، تحلیل کتاب‌سنجی بر روی ۱۵۳۹ سند علمی نمایه‌شده در پایگاه supocs طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۴ انجام شد تا جریانهای پژوهشی و خوشه‌های مفهومی پر تکرار شناسایی شوند. در گام دوم، با استفاده از روش فرا ترکیب کیفی نظام‌مند (sisehtnys-atem evitatilauq)، تعداد ۵۲۱ مقاله منتخب به‌صورت عمیق تحلیل مضمون شده است. داده‌ها در نرم‌افزار ATLAS.it کدگذاری و خوشه‌بندی شدند و در نهایت، شبکه‌ای مفهومی از تعاملات نظری در حوزه ریتم‌های شهری ترسیم شد.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌ها پنج خوشه مفهومی اصلی را آشکار کردند: ساختارهای زمانی و ریتمیک، نظریه فضایی و شهری، کنش‌های روزمره و تجربه بدنمند، ابعاد اجتماعی-سیاسی فضا و تولید فضا و اقتصاد سیاسی. این خوشه‌ها در مجموع نشان می‌دهند که ریتم‌های شهری پدیده‌هایی چندبعدی و چندزمانی‌اند که از تلاقی سازوکارهای فضایی، زمانی، اجتماعی، بدنمند و سیاسی پدید می‌آیند. این پژوهش چارچوبی نظری و تحلیلی فراهم می‌آورد که می‌تواند بنیانی برای توسعه مطالعات آینده در حوزه ریتم‌شناسی فضایی-اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری معاصر فراهم سازد.

**واژگان کلیدی:** ریتم‌های شهری، کتاب‌سنجی، فرا ترکیب، ATLAS.it

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم «ریتم» به‌عنوان عنصری کلیدی برای فهم پیچیدگی‌های زندگی شهری توجه فزاینده‌ای را به خود

جلب کرده است. این توجه، دامنه وسیعی از پژوهش‌ها را در حوزه‌هایی همچون جغرافیای انسانی، شهرسازی، جامعه‌شناسی فضا و مطالعات فرهنگی به خود اختصاص داده است که هر یک به نحوی به تحلیل تعاملات زمانی و فضایی در محیط‌های شهری می‌پردازند، تنوع رویکردهای نظری ارائه‌شده و پراکندگی پژوهش‌ها سبب شده است تا خلأ محسوسی در ارائه تحلیل ساختارمند و منسجم از چارچوب‌های نظری گوناگون در زمینه ریتم‌های شهری احساس شود.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «عظیمه مسیبه» با عنوان «تحلیل ریتم‌های اجتماعی-فضایی شهر در ارتباط متقابل با ریتم طبیعی مورد پژوهی: زاینده رود اصفهان» است که به راهنمایی دکتر «محمود قلعه نویی» در گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.  
\*\*نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۴۱۰۱۸۳۸ m.ghalehnoee@au.ac.ir

هانری لوفور مطرح شد. لوفور ریتم‌ها را به‌عنوان برآیندی از تعاملات پویای زمان، مکان و زندگی روزمره در نظر گرفت و این مفهوم را به ابزاری کارآمد برای تحلیل ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و فضایی تبدیل کرد (Lefebvre, 2004, 8–10). در رویکرد لوفور، ریتم‌ها در دو سطح اصلی فهم می‌شوند؛ نخست «ریتم‌های خطی» که به فرایندها و توالی‌های یکنواخت و تکرارشونده اشاره دارند، و دوم «ریتم‌های چرخه‌ای» که با فرایندهای طبیعی و بدن انسان مرتبط هستند (Simpson, 2012, 425). افزون بر این، لوفور بر مفهوم «ریتم بدن» تأکید ویژه‌ای دارد که بیانگر درهم‌تنیدگی تجربه زیسته و تعاملات روزمره در فضاهای شهری است و به گفته او، بدن انسان، اصلی‌ترین نقطه تماس و تلاقی میان فضا و زمان محسوب می‌شود (Lefebvre, 2004, 18–20; Edensor, 2010a, 3–5).

تیم ادنسور از جمله نظریه‌پردازانی است که با بسط مفهومی ایده لوفور، «ریتم‌های زندگی روزمره» را در کانون تحلیل‌های خود قرار داده است. به باور ادنسور، زندگی روزمره شهری از تعدد و تعامل ریتم‌های متنوع تشکیل شده که او آن را «چندریتمی شهری» (Urban Polyrythmia) نامیده است (Edensor, 2010b, 5–7). این رویکرد به وضوح نشان می‌دهد که چگونه فضاهای اجتماعی در نتیجه تعاملات ریتمیک شکل گرفته و تحول می‌یابند و چگونه این ریتم‌ها به‌صورت دائمی بر روابط اجتماعی، تجارب فردی و ساختارهای فضایی اثر گذار هستند (Edensor & Holloway, 2008, 490–492). به عبارت دیگر، به باور ادنسور، ریتم‌ها نه تنها چارچوب زمانی زندگی شهری را تعیین می‌کنند بلکه بر کیفیت فضاهای عمومی و اجتماعی نیز تأثیر مستقیم دارند.

پال سیمپسون نیز در آثار خود به «ریتم‌های حرکت» پرداخته و تحلیل‌های دقیقی از ابعاد بدنمند (embodied) تجربه فضایی ارائه کرده است. وی ریتم‌ها را به‌عنوان ساختارهای فعال و پویا معرفی می‌کند که از طریق تعاملات بدنمند و حرکت افراد در فضا ساخته و تجربه می‌شوند (Simpson, 2012, 428). سیمپسون در تحلیل‌های خود تأکید دارد که تجربه شهری از خلال ریتم‌های تعامل اجتماعی و کنش‌های روزمره افراد شکل می‌گیرد، امری که نشان‌دهنده ابعاد عمیق‌تر رابطه بدن و فضا در مطالعات شهری است.

علاو بر دیدگاه‌های یادشده، سایر رویکردهای نظری نیز در حوزه ریتم‌های شهری مطرح شده‌اند که به ابعاد اجتماعی، کالبدی و فرهنگی می‌پردازند. به‌عنوان نمونه، ریتم اجتماعی (Social Rhythm) به بررسی الگوهای زمانی کنش‌های جمعی و رویدادهای اجتماعی در شهر می‌پردازد (Muliček et al., 2015, 310). از طرف دیگر، رویکرد ریتم کالبدی (Physical Rhythm) بر الگوهای فضایی، طراحی شهری و عناصر ساختاری فضا تأکید دارد (Paiva, 2016, 162–165). ریتم فرهنگی نیز به تحلیل چگونگی بازنمایی‌ها و معانی فرهنگی مرتبط با ریتم‌های شهری اختصاص دارد و جنبه‌هایی همچون هویت شهری و خاطره جمعی را مد نظر قرار می‌دهد (Wunderlich, 2008, 128–130). در مجموع، مرور

منشأ نظری مفهوم ریتم در مطالعات شهری عمدتاً به اندیشه‌های هانری لوفور باز می‌گردد. لوفور برای نخستین بار در نظریه ریتم-آنالیز خود، ابعاد نوینی همچون ریتم بدن و تعاملات زمانی-فضایی را به مطالعات شهری وارد کرد و به این ترتیب، بستری برای مطالعات میان‌رشته‌ای گسترده‌ای فراهم ساخت. با این حال، علاوه بر دیدگاه‌های لوفور، پژوهشگرانی همچون تیم ادنسور و پال سیمپسون نیز تلاش‌هایی برای غنی‌تر کردن این حوزه نظری داشته‌اند که خود منجر به گسترش و تکثر بیشتر مباحث نظری شده است. این تکثر، هر چند باعث ایجاد غنای مفهومی شده است، اما به علت فقدان یک مطالعه نظاممند برای تلفیق و ترکیب این جریان‌ها، دستیابی به چارچوبی جامع و یکپارچه را دشوار کرده است. بنابراین، نیاز مبرمی به بازشناسی دقیق‌تر و طبقه‌بندی نظاممند حوزه‌های نظری مرتبط با ریتم‌های شهری وجود دارد. چنین طبقه‌بندی نه تنها می‌تواند به درک عمیق‌تر جریان‌های نظری موجود منجر شود، بلکه مبنایی محکم برای مطالعات آتی و چشم‌انداز آینده پژوهی در این حوزه فراهم می‌آورد. در راستای تحقق این هدف، این پژوهش از رویکردی دو مرحله‌ای بهره گرفته است. ابتدا، با استفاده از روش تحلیل کتاب‌سنجی (Bibliometric Analysis)، به تحلیل داده‌های استخراج‌شده از ۱۵۳۹ سند علمی نمایه‌شده در پایگاه Scopus بازه زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۴ پرداخته شده است. این بخش از پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به سه پرسش اصلی است.

– روند انتشار پژوهش‌های مرتبط با ریتم‌های شهری از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۴ چگونه بوده است؟

– جریان‌های تحقیقاتی جهانی و نقاط داغ پژوهشی در مطالعات مرتبط با ریتم‌های شهری کدام‌اند؟

– مسیرهای پژوهشی آینده در حوزه ریتم‌های شهری کدام‌اند؟ در گام دوم و به‌منظور تعمیق بیشتر در تحلیل نظری، از روش فراترکیب کیفی (Qualitative Meta-synthesis) استفاده شده است. در این مرحله، مقالات کیفی منتخب به‌صورت نظاممند و با هدف پاسخ به پرسش محوری پژوهش شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که، حوزه‌های نظری اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری کدام‌اند و چگونه می‌توان این حوزه‌ها را از طریق فراترکیب نظاممند مطالعات موجود شناسایی، طبقه‌بندی و در قالب شبکه‌های مفهومی بازشناسی کرد؟

با انجام این مراحل، این پژوهش تلاش دارد تا با شناسایی خوشه‌های مفهومی کلیدی و ترسیم شبکه‌های مفهومی از تعاملات نظری در حوزه ریتم‌های شهری، علاوه بر پر کردن شکاف موجود در ادبیات علمی، بستری تحلیلی برای پژوهش‌های آتی فراهم کند و چشم‌اندازی روشن از روندهای آینده پژوهشی در این حوزه ارائه دهد.

## پیشینه نظری

مفهوم «ریتم» در مطالعات شهری، نخستین بار در نظریه ریتم-آنالیز

Science و Engineering برای بررسی ابعاد فضایی و کالبدی ریتیم‌های شهری انتخاب شدند که این انتخاب، تعداد منابع را به ۱۸۲۷ مقاله کاهش داد. در گام بعدی، مقالات به منابع علمی شامل مقالات پژوهشی (Research Articles)، مقالات مروری (Review Articles)، فصول کتاب (Book Chapters) و مقالات کنفرانسی (Conference Papers) محدود شدند و تنها مقالات انگلیسی‌زبان انتخاب شدند که نهایتاً تعداد اسناد علمی به ۱۵۳۹ منبع تقلیل یافت (تصویر ۱).

برای تحلیل داده‌های به دست آمده از روش کتاب‌سنجی، از نرم‌افزارهای Biblioshiny (Bibliometrix) و VOSviewer استفاده شد. این مرحله با هدف پاسخ به سه پرسش زیر انجام شد. روند انتشار پژوهش‌های مرتبط با ریتیم‌های شهری طی ۳۰ سال اخیر چگونه بوده است؟

جریانها و نقاط داغ پژوهشی (Research Hotspots) در مطالعات ریتیم‌های شهری کدامند؟

مسیرهای پژوهشی آینده در حوزه ریتیم‌های شهری چه هستند؟ در گام دوم و برای تعمیق تحلیل نظری و شناسایی حوزه‌های نظری مشترک، از روش فراترکیب کیفی استفاده شد. فراترکیب کیفی به‌عنوان روشی جامع برای تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات کیفی، امکان کشف الگوهای نظری و چارچوب‌های مفهومی مشترک را فراهم می‌کند. فرایند فراترکیب در سه مرحله انجام شد.

• مرحله اول - غربالگری اولیه

عنوان و چکیده تمامی ۱۵۳۹ سند بازیابی شده بررسی شدند. معیارهای شمول و حذف مقالات در این مرحله مطابق جدول ۱ تعیین شدند که با در نظر گرفتن این معیارها، ۱۳۲۷ مقاله به‌عنوان منابع اولیه واجد شرایط شناسایی شدند.

نظری انجام‌شده نشان می‌دهد که علی‌رغم غنای نظری موجود، نیاز به رویکردی منسجم و تلفیقی برای یکپارچه‌سازی این حوزه‌های متنوع نظری وجود دارد. یکپارچگی نظری نه تنها به فهم عمیق‌تر پیچیدگی‌های ریتیم‌های شهری کمک می‌کند، بلکه مبنایی منسجم برای پژوهش‌های آتی و سیاست‌گذاری‌های شهری فراهم می‌آورد.

روش شناسایی

با توجه به هدف پژوهش که بازشناسی و طبقه‌بندی نظام‌مند حوزه‌های نظری مرتبط با ریتیم‌های شهری است، این مطالعه رویکردی ترکیبی را اتخاذ کرده است که شامل دو مرحله اصلی می‌شود: تحلیل کتاب‌سنجی (Bibliometric Analysis) و فراترکیب کیفی نظام‌مند (Qualitative Meta-synthesis).

در مرحله نخست، برای شناسایی دقیق‌ترین و مرتبط‌ترین مقالات، از پایگاه داده علمی Scopus به‌عنوان یکی از معتبرترین و گسترده‌ترین منابع کتابشناختی بین‌المللی استفاده شد. این پایگاه داده به‌علت گستردگی پوشش موضوعی، استانداردهای بالای نمایه‌سازی و جامعیت منابع، انتخاب شده است (Ramos et al., 2024). برای جستجوی منابع، پنج کلیدواژه اصلی پرتکرار در حوزه پژوهش‌های مرتبط با ریتیم‌های شهری شامل: Urban Place Rhythms, Social Place Rhythm, Urban Rhythm, Production of Space و Rhythmanalysis در بازه زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۴ در پایگاه داده Scopus جستجو شدند که جستجو ابتدا منجر به بازیابی ۱۹۲۱ سند علمی شد. در مرحله بعد، با هدف افزایش دقت و تمرکز پژوهش، حوزه‌های موضوعی Social Sciences، Arts and Humanities برای پوشش ابعاد اجتماعی و فرهنگی ریتیم‌های شهری و Environmental



تصویر ۱. چارچوب تحلیل بیبلیومتریک (علم سنجی) پیرامون موضوع ریتیم در فضای شهری. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. معیارهای شمول و حذف مقالات. مأخذ: نگارندگان.

معیارهای حذف	معیارهای شمول
عدم اشاره مستقیم به مفاهیم فضایی یا زمانی	ارتباط مفهومی مستقیم با تولید فضا یا ریتم‌شناسی شهری
مطالعات آماری صرف بدون تحلیل نظری-مفهومی	بهره‌گیری از چارچوب نظری لوفور یا مفاهیم مشتق‌شده از آن
کتاب، یادداشت، سرمقاله یا مرور ادبیات ساده	-
انتشار پیش از ۱۹۹۵	سال انتشار از ۱۹۹۵ به بعد

کنفرانسی وجود دارد. ۱۴۶ مجله در این حوزه، منتشر کرده است که تنها ۳۲ درصد از این مجلات بیشتر از ۵ مقاله منتشر کرده‌اند. براساس **جدول ۲** مجله Environment and Planning D: Society and Space با ۲۸ مقاله منتشر شده بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است و در مرتبه بعدی مجلات Antipode و Environment and Planning A قرار دارند.

**تصویر ۲** تعداد اسناد منتشرشده از ۱۰ منبع علمی مختلف را در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۴ نشان می‌دهد. بیشتر منابع از حدود سال ۲۰۱۰ به بعد فعالیت بیشتری داشته‌اند، اما برخی مانند Environment And Planning D: Society And Space و Antipode روندی نسبتاً پایدار با تعداد محدود اسناد در هر سال داشته‌اند. در مقابل Urban Book Series از سال ۲۰۱۴ به‌طور چشمگیری رشد کرده و به یکی از منابع برجسته در سال‌های اخیر تبدیل شده است.

منابعی مانند Transactions Of The Institute Of British Geographers و Research In Urban Sociology با روندی پایدار و تعداد اسناد کمتر همچنان در حوزه خود فعال‌اند. این تغییرات ممکن است به دلیل تغییر در اولویت‌های پژوهشی یا افزایش علاقه به موضوعات مرتبط با برخی منابع خاص باشد.

با تحلیل منابع به دست آمده ۲۱۶۳ نویسنده حداقل یک اثر در زمینه مد نظر پژوهش نوشته‌اند که ۲۱۶ نفر از نویسندگان دست کم دو اثر در این زمینه دارند و برای شناسایی نویسندگان تأثیرگذار به میزان استناد آثار، تعداد آثار، h-index نویسنده رجوع کرده، ۵۰ نویسنده تأثیرگذار در این زمینه که حداقل دو اثر در رابطه با حوزه پژوهش با میزان ارجاع بالای ۵۰ دارد به شرح جدول زیر آمده است. **جدول ۳** فهرستی از نویسندگان تأثیرگذار را با شاخص‌هایی مانند تعداد مقالات، ارجاعات، h-index را ارائه می‌دهد. نویسندگانی مانند Roy, ananya و Brenner, neil بیشترین میزان citation را به خود اختصاص داده‌اند که به وضوح از نظر تأثیرگذاری پیش‌تاز هستند و کیفیت بالای مقالات آنها باعث این میزان ایجاد ارجاعات می‌شود. نویسندگانی مانند Ye, Chao با ۱۱ مقاله و Schmid, Christian با هفت مقاله، Edensor, Tim و Meir, avinoam با شش مقاله بیشترین تعداد مقاله را در رابطه با موضوع ریتم‌های شهری ارائه داده‌اند.

**تصویر ۳** روند تولید آثار علمی نویسندگان مختلف را در طول زمان و تأثیر آنها در حوزه پژوهشی نشان داده است. محور افقی نمایانگر

### • مرحله دوم - غربالگری ثانویه

در این مرحله، چکیده‌های این مقالات با دقت بیشتری بررسی شدند تا فقط مقالاتی انتخاب شوند که به‌طور واضح به چارچوب‌های نظری مشخص مرتبط با ریتم‌های شهری اشاره کرده باشند. نتیجه این مرحله، انتخاب ۵۲۱ مقاله با تمرکز نظری مشخص و مناسب برای تحلیل مضمون بود.

### • مرحله سوم - تحلیل مضمون (Thematic Analysis)

برای تحلیل محتوای این مقالات از نرم‌افزار تخصصی تحلیل کیفی ATLAS.ti استفاده شد. کدگذاری مفهومی و نظری مقالات در چهار بُعد شامل: مفاهیم نظری، مفاهیم فضایی، مفاهیم زمانی-ریتمی و مفاهیم تجربی انجام شد. علاوه بر این، ۲۰ کلمه کلیدی پرتکرار حاصل از مرحله تحلیل کتاب‌سنجی به‌عنوان مبنایی تکمیلی برای استخراج و دسته‌بندی مضامین مفهومی استفاده شده است. در نهایت، مفاهیم استخراج‌شده در قالب شبکه‌های مفهومی دسته‌بندی و سازماندهی شدند. خروجی نهایی این مرحله، ارائه چارچوب نظری و شبکه‌ای تحلیلی از تعاملات مفهومی در مطالعات ریتم شهری بود که به‌صورت بصری و ساختارمند طراحی و ارائه شد.

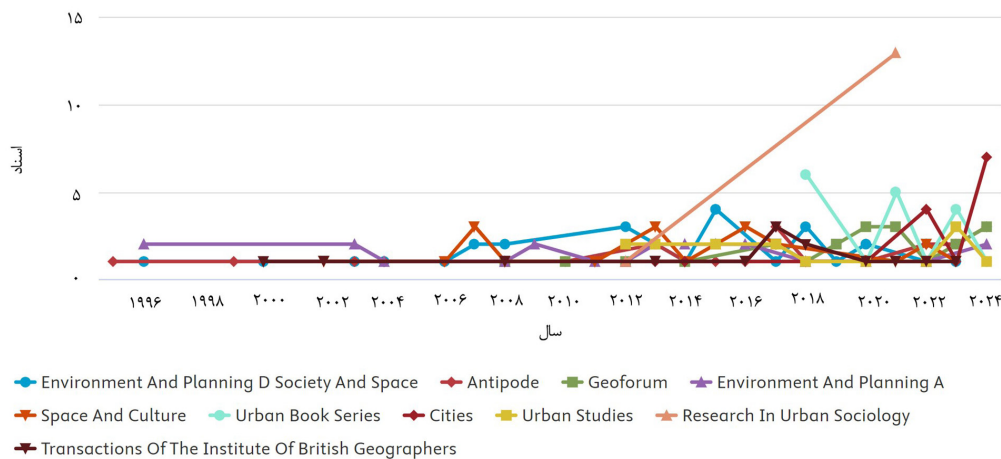
قابل ذکر است با توجه به ماهیت روش‌شناختی این پژوهش که بر تحلیل کتاب‌سنجی و فراترکیب کیفی نظام‌مند استوار است، تمرکز اصلی بر مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی با بیشترین میزان ارجاع و مرجعیت نظری قرار گرفته است. از آنجا که هدف پژوهش، بازشناسی و طبقه‌بندی حوزه‌های نظری غالب و اثرگذار در مطالعات ریتم‌های شهری در سطح بین‌المللی بوده است، انتخاب منابع براساس میزان اثرگذاری علمی، پیوندهای استنادی و جایگاه مفهومی آنها در شبکه دانش انجام شده است. در این چارچوب، مقالات و کتب فارسی (که عمدتاً خارج از شبکه‌های استنادی بین‌المللی و تحلیل‌های بیبلیومتریک هستند) در دامنه تحلیل قرار نگرفتند.

### بحث

از ۱۵۳۹ منبع شناسایی شده در حوزه مد نظر مقالات با تعداد ۱۰۷۷ بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن بیشترین منابع به فصول کتاب اختصاص دارد که ۲۶۴ فصول کتاب در این خصوص نوشته شده است و در مراتب بعدی به ترتیب ۸۰ مقاله مروری، ۷۲ کتاب، ۴۵ مقاله کنفرانسی و یک مقاله مروری

جدول ۲. مجله با بیشترین تعداد آثار در رابطه با این موضوع. مأخذ: نگارندگان (بر اساس خروجی پایگاه اسکوپوس).

نمره تأثیر گذاری علمی h-index	امتیاز استنادی	تعداد اسناد	اسم مجله	زمان نمایه شده در اسکوپوس
۱۲۴	۷/۷	۲۸	Environment and Planning D: Society and Space	۱۹۸۳
۱۲۱	۹/۵	۲۴	Antipode	۱۹۶۹
۱۵۴	۹/۵	۲۳	Environment and Planning A	۱۹۷۳
۱۴۱	۷/۳	۲۱	Geoforum	۱۹۷۰
۴۷	۲/۸	۲۰	Space and Culture	۱۹۷۷
-	۰/۸	۱۸	Urban Book Series	۲۰۱۶
۱۲۷	۱۱/۲	۱۶	Cities	۱۹۸۳
۱۷۴	۱۰/۵	۱۵	Urban Studies	۱۹۶۴
-	۰/۴	۱۴	Research In Urban Sociology	۲۰۰۰
-	۷/۲	۱۴	Transactions Of The Institute Of British Geographers	۱۹۷۶
۶۵	۳/۴	۱۳	City	۲۰۰۵



تصویر ۲. وضعیت مجلات با بیشترین تعداد آثار در بازه زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۴. مأخذ: نگارندگان (بر اساس خروجی پایگاه اسکوپوس).

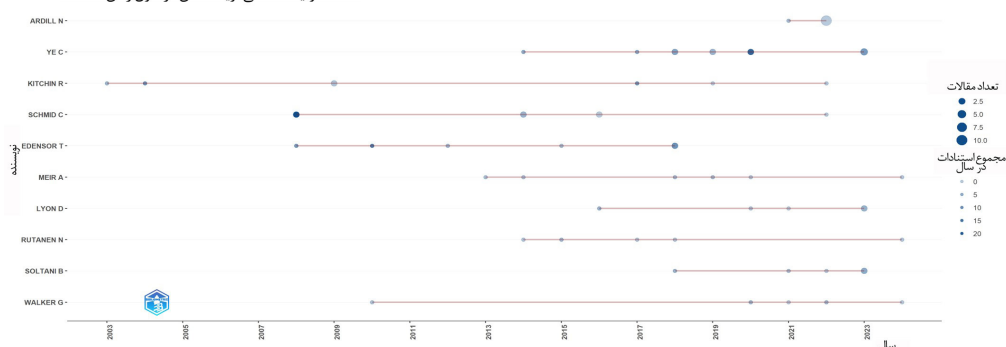
ارتباطات و تأثیرات متقابل میان نویسندگان برجسته در حوزه ریتیم شهری و تولید فضا و نظریات مرتبط با آن است. در این تحلیل، نویسندگانی که بیشترین اسناد را داشته‌اند، از نظر نقش محوری در شکل‌دهی به مباحث نظری برجسته هستند. به‌طور خاص؛ مارستون و برنر (Marston, 2000; Brenner, 2000) و اثر برجسته آنها در زمینه بازساختاردهی سرزمینی و تولید مقیاس فضایی، بیشترین اقباس‌ها را داشته است. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت این تحقیق در پایه‌گذاری تحلیل‌های مرتبط با تغییرات ساختاری فضاهای شهری و منطقه‌ای است. نظریات اسمیت (Smith, 2008) درباره توسعه نامتوازن، بازتاب عمیقی در تحلیل تولید فضا، به ویژه در بررسی رابطه بین طبیعت، سرمایه و فضای شهری دارد. روی (Roy, 2009) با تأکید بر جغرافیای جدید تئوری شهری، نقش کلیدی در ارائه چارچوب نوآورانه برای مطالعه متروپلیس‌ها

بازه زمانی انتشار مقالات و محور عمودی بیانگر نام نویسندگان است. اندازه دایره‌ها نشان‌دهنده تعداد مقالات منتشر شده هر نویسنده در یک سال خاص است؛ به‌طوری‌که دایره‌های بزرگ‌تر بیانگر تولید علمی بیشتر هستند. از طرفی، شفافیت و تیرگی دایره‌ها تعداد استنادهای سالانه دریافت‌شده آثار را نشان می‌دهند؛ دایره‌های تیره‌تر نمایانگر تأثیر علمی بیشتر هستند. تحلیل نمودار بیانگر آن است که نویسندگانی مانند Schmid و Kitchin فعالیت مستمری در طول سال‌ها داشته‌اند و آثار آنها تأثیر قابل‌توجهی بر حوزه علمی مرتبط داشته است همچنین، نویسنده‌ای نظیر Ye در سال‌های اخیر (۲۰۱۹ به بعد) تولید علمی بیشتری داشته که احتمالاً نشان‌دهنده ظهور موضوعات جدید یا تحولات در زمینه‌های پژوهشی مرتبط است. شبکه ارائه شده از طریق ابزار Vosviewer (تصویر ۴) نشان‌دهنده

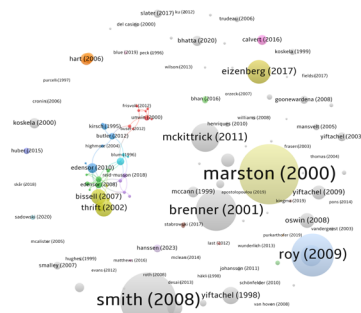
جدول ۳. ۵۰ نویسنده تأثیرگذار با توجه به تعداد آثار، میزان استناد و h-index. مأخذ: نگارندگان (براساس خروجی پایگاه اسکوپوس).

ردیف	نویسنده	تعداد استناد	نمره تأثیرگذاری علمی h-index	شاخص جی g-index	رتبه	نویسنده	تعداد استناد	نمره تأثیرگذاری علمی h-index	شاخص جی g-index	
۱	Brenner	۲	۱۱۳۵	۲	۲۶	Osman,robert	۴	۱۱۶	۳	۴
۲	Roy	۴	۱۰۹۱	۴	۲۷	Ma,Xiangyi	۳	۱۱۲	۳	۳
۳	Mckittrick	۲	۶۸۱	۲	۲۸	Chen,Mingxing	۲	۱۱۱	۳	۳
۴	Jabareen	۳	۶۲۵	۳	۲۹	Axhausen,kay w	۲	۱۱۰	۲	۲
۵	Yiftachel	۳	۵۳۵	۳	۳۰	Schonfelder,stefan	۲	۱۱۰	۲	۲
۶	Edensor	۶	۵۲۴	۶	۳۱	Cronin,anne m	۲	۱۱۰	۲	۲
۷	Schmid	۷	۴۵۵	۴	۳۲	Reid-musson,emily	۲	۱۰۷	۲	۲
۸	Koskela	۳	۳۹۶	۳	۳۳	Blue,stanley	۲	۱۰۵	۲	۲
۹	Elden	۲	۳۸۲	۲	۳۴	Sibley,david	۲	۱۰۲	۲	۲
۱۰	Hart	۲	۳۶۸	۲	۳۵	Carp,jana	۲	۹۵	۲	۲
۱۱	Kitchin	۵	۳۶۰	۴	۳۶	Mulicek,Ondrej	۳	۹۲	۳	۳
۱۲	Ye	۱۱	۳۲۳	۹	۳۷	Chen,ruishan	۳	۸۷	۳	۳
۱۳	Yacobi	۳	۲۷۰	۳	۳۸	Valtonen,anu	۲	۸۶	۲	۲
۱۴	Calvert	۲	۲۶۳	۲	۳۹	Zhuang,Liang	۵	۸۴	۴	۵
۱۵	Simpson	۳	۲۵۹	۳	۴۰	Frisvoll,svein	۲	۸۳	۲	۲
۱۶	Butler	۴	۲۴۷	۳	۴۱	Larsen,jonas	۲	۷۵	۲	۲
۱۷	Dodge	۲	۲۱۱	۲	۴۲	Meir,avinoam	۶	۷۵	۴	۶
۱۸	Goonewardena	۲	۲۰۵	۲	۴۳	Mclean,heather	۲	۷۳	۱	۲
۱۹	Simonsen	۲	۱۹۷	۲	۴۴	Adams,William m.	۲	۷۲	۲	۲
۲۰	Hubbard	۲	۱۹۳	۲	۴۵	Apostolopoulou, evangelia	۲	۷۲	۲	۲
۲۱	Milgrom	۲	۱۹۲	۲	۴۶	gluck,zoltan	۲	۶۶	۲	۲
۲۲	Henriques	۲	۱۶۹	۲	۴۷	Pietsch,tamson	۲	۶۵	۲	۲
۲۳	Van hoven	۳	۱۵۸	۳	۴۸	Manuel,david	۲	۶۴	۲	۲
۲۴	Wilson	۵	۱۴۷	۴	۴۹	Shields,rob	۲	۶۴	۲	۲
۲۵	Van den berg	۴	۱۲۷	۴	۵۰	Cai,yongli	۳	۶۱	۳	۳

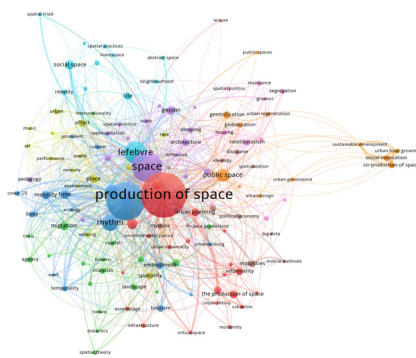
تولیدات علمی نویسندگان در طول زمان



تصویر ۳. ۱۰ نویسنده با بیشترین میزان آثار به تفکیک زمان. مأخذ: نگارندگان (خروجی برنامه بیبلومتریکس).



تصویر ۴. آثار نویسندگان با بیشترین ارجاعات (citation بالای ۵۰) مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۵. نقشه تصویری از ارتباط کلمات کلیدی پرتکرار در زمینه تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

داشته است. ایفتاخل (Yiftachel & Yacobi, 2003; 2009) در زمینه تحلیل‌های مربوط به فضاهای خاکستری و کنترل اجتماعی، تأثیری عمیق بر مطالعات شهرنشینی و سیاست‌گذاری فضایی داشته است. در این تحقیقات، تأثیر عواملی نظیر فناوری، اقتصاد سیاسی، بدن و حس‌ها و پایداری اجتماعی بررسی شده‌اند و ادنوسر (Edensor, 2010a) بر اهمیت تجربه‌های بدنی و حس‌ها در فضاهای عمومی اشاره کرده‌اند.

برای شناخت تمرکزها و گرایش‌های تحقیق، شناسایی کلیدواژه‌های استفاده شده در مقالات ضروری است. کلمات استفاده شده در عنوان مقالات و آثار، کلمات استفاده شده در چکیده مقالات و همچنین کلمات کلیدی به محقق کمک می‌کند تا یک ایده کلی در رابطه با تحقیق به دست آورند و تأکید جریان‌های تحقیقاتی جهانی و نقاط داغ در مطالعات را نشان می‌دهد. انتشارات مربوط به ریتم‌های شهری برای کل دوره ۳۰ ساله (۱۹۹۴-۲۰۲۴) براساس کلمات عنوان، کلمات چکیده و کلمات کلیدی، ارزیابی و رتبه بندی شده‌اند. کل کلمات کلیدی مد نظر نویسندگان در رابطه با موضوع پژوهش در مقالات و آثار به دست آمده ۳۹۸۵ کلمه بوده که کلمات کلیدی که حداقل پنج بار تکرار شده‌اند این مقدار را به ۱۴۵ واژه محدود می‌کند. ۲۰ کلمه پرتکرار از این ۱۴۵ واژه به شرح جدول ۴ است.

براساس تصویر ۵ پنج کلمه کلیدی و پرتکرار در این پژوهش شامل تولید فضا (production of space)، تحلیل ریتم

جدول ۴. ۲۰ کلمه کلیدی پرتکرار در زمینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	کلمات کلیدی	تعداد دفعات تکرار	ردیف	کلمات کلیدی	تعداد دفعات تکرار
۱	تولید فضا (Production of space)	۱۹۸	۱۱	فضای اجتماعی (Social space)	۲۰
۲	تحلیل ریتم (Rhythmanalysis)	۱۵۵	۱۲	زمان (Time)	۱۹
۳	فضا (Space)	۱۱۴	۱۳	جنسیت (Gender)	۱۸
۴	لوفور (Lefebvre)	۱۲۸	۱۴	تحرك (Mobility)	۱۸
۵	ریتم (Rhythm)	۴۶	۱۵	مکان (Place)	۱۸
۶	فضای عمومی (Public space)	۳۲	۱۶	حق به شهر (Right to the city)	۱۸
۷	زندگی روزمره (Everyday life)	۲۹	۱۷	مهاجرت (Migration)	۱۷
۸	چین (China)	۲۷	۱۸	برنامه ریزی شهری (Urban planning)	۱۶
۹	فضای شهری (Urban space)	۲۳	۱۹	اثر (Affect)	۱۴
۱۰	تولید اجتماعی فضا (Social production of space)	۲۰	۲۰	شهر (City)	۱۴

گرفته شد. این روش، با هدف تلفیق ساختارمند یافته‌های مطالعات کیفی پیشین، امکان تحلیل عمیق‌تر مفاهیم نظری و شناسایی الگوهای مفهومی مشترک را فراهم می‌سازد.

در گام نخست، پروتکلی نظام‌مند برای غربالگری و انتخاب مقالات تدوین شد. معیارهای شمول و حذف مقالات به شرح زیر تعیین شدند.

#### • معیارهای شمول

- تمرکز مستقیم و روشن بر مفاهیم مرتبط با ریتم‌های شهری و کلمات پرتکرار به‌دست آمده از مرحله پیشین

- بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری مشخص، به‌ویژه نظریه‌های برگرفته از لوفور

- مقالات پژوهشی کیفی یا ترکیبی (Mixed-method) منتشر شده در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۴

#### • معیارهای حذف

- مطالعات صرفاً آماری فاقد تحلیل نظری یا مفهومی

- مقالات مروری ساده، سر مقاله‌ها، یادداشت‌ها و منابع غیردانشگاهی

- مقالات فاقد ارتباط مستقیم با مفاهیم مطالعه شده

با اعمال این معیارها روی ۱۵۳۹ مقاله استخراج شده از پایگاه داده Scopus، در نهایت ۵۲۱ مقاله به‌عنوان منابع واجد شرایط برای تحلیل عمیق‌تر انتخاب شدند. در همین راستا، فرایند کدگذاری کیفی در سه مرحله متوالی و نظام‌مند شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. این فرایند به‌منظور استخراج حوزه‌های نظری اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری، طبقه‌بندی آنها و ساخت چارچوب مفهومی نهایی طراحی شده بود.

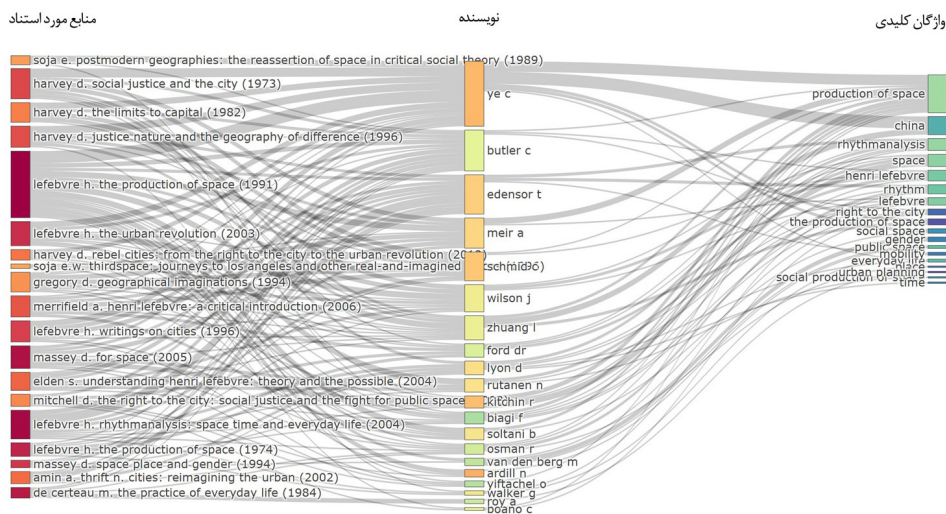
#### • مرحله اول: کدگذاری باز

در مرحله نخست، با بازخوانی چکیده‌های مطالعات منتخب، مفاهیم کلیدی مرتبط با کلمات پرتکرار به‌صورت استقرایی از درون متن استخراج شدند. این مفاهیم عمدتاً در قالب عباراتی چون «ریتم‌های روزمره»، «فضای تفاضلی»، «تجربه بدنمند»، «سیاست زمان»، «کالایی‌سازی فضا»، «ناهم‌زمانی اجتماعی»، «حق به شهر» و نظایر

(rhythmanalysis)، فضا، لوفور و ریتم هستند. ارتباط این مفاهیم از طریق ضخامت خطوط به‌وضوح قابل مشاهده است. نتایج نشان می‌دهند که تحلیل ریتم ارتباط قوی با کلماتی نظیر ریتم، زمان، حرکت، زمان‌مندی (temporality)، گردشگری، بدن و بدن‌مندی (embodiment) دارد. از سوی دیگر، واژه لوفور نیز در ارتباط با مفاهیمی مانند شهر، فضای اجتماعی (social space)، کنش‌های فضایی (spatial practices) و فضای زیسته (lived space) قرار دارد. علاوه بر این، واژه تولید فضا که یکی از پرتکرارترین کلمات کلیدی محسوب می‌شود، به مفاهیمی همچون غیر رسمی (informality)، برنامه‌ریزی شهری و زیر ساخت مرتبط است. این روابط نشان‌دهنده شبکه گسترده از مفاهیم و ایده‌های مرتبط در این حوزه پژوهشی است.

**تصویر ۶**، شبکه‌ای از ارتباطات میان منابع ارجاعی (CR)، نویسندگان (AU) و کلمات کلیدی (DE) را به نمایش می‌گذارد که به تبیین تأثیرگذاری آثار بنیادین، نقش نویسندگان کلیدی و محوریت مفاهیم در پژوهش‌های مرتبط می‌پردازد. در این شبکه، منابع کلیدی نظیر آثار لوفور مانند تولید فضا (۱۹۹۱) و تحلیل ریتم: فضا، زمان و زندگی روزمره (۲۰۰۴) و همچنین آثار هاروی از جمله عدالت اجتماعی و شهر (۱۹۷۳)، تأثیر عمیقی بر ادبیات موضوعی این حوزه داشته‌اند. نویسندگانی مانند ادنسون، کیچین، اشمید در توسعه و ترویج این مفاهیم نقشی برجسته ایفا کرده‌اند. این تحلیل ارتباطات نشان‌دهنده تعاملات پیچیده میان منابع، نویسندگان و مفاهیم است که می‌تواند نقشی راهبردی در شناسایی بنیان‌های نظری و توسعه مفاهیم جدید در این حوزه ایفا کند.

به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش، مبنی بر اینکه «حوزه‌های نظری اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری کدامند و چگونه می‌توان این حوزه‌ها را از طریق فراترکیب نظام‌مند مطالعات موجود شناسایی، طبقه‌بندی و در قالب شبکه‌ای مفهومی بازشناسی کرد؟»، از روش فراترکیب کیفی (Qualitative Meta-synthesis) بهره



تصویر ۶. ارتباط کلمات کلیدی با نویسندگان و منابع با میزان ارجاعات بالا. مأخذ: نگارندگان.

در مرکز این خوشه طبق **تصویر ۷**، مفهوم چند ریتمی (Polyrhythmia) به عنوان نقطه کانونی ظاهر شده است که سایر مفاهیم اصلی همچون چند ریتمی شهری (Urban Polyrhythmia)، چند ریتمی روزمره (Daily Polyrhythms)، ریتم‌های همزمان متعدد (Multiple Simultaneous Rhythms) و تولید مشترک چندریتمی (Co-production of Polyrhythmic) به عنوان مصادیق یا زیرمجموعه‌های آن ساختار می‌یابند. این مفاهیم بیانگر این حقیقت‌اند که ریتم‌های شهری نه واحدهای ایستا یا منفرد، بلکه الگوهایی هم‌زمان، چندلایه و در حال تعامل‌اند که زندگی شهری را در قالب ریتم‌های هم‌زیست، هماهنگ یا متضاد شکل می‌دهند.

با بررسی ارتباط میان مفاهیمی چون ریتم‌های زیستی بدن (Biological Rhythms)، چرخه‌های طبیعی و کیهانی (Cosmic Rhythms) و از سوی دیگر، ریتم‌های اجتماعی و جریانه‌های فیزیکی شهر، می‌توان به شبکه پیچیده از زمان‌مندی و کنش رسید که نشان‌دهنده این موضوع است که ریتم‌های شهری حاصل درهم‌تنیدگی لایه‌های متنوعی از حیات انسانی و محیطی هستند. این لایه‌ها در پیوند با ریتم‌های بدنمند زندگی روزمره (Embodied Everyday Rhythms) و ساختارهای فضامند (Rhythms as Spatial Structure)، نشان می‌دهند که زمان در شهر صرفاً یک نظم بیرونی نیست، بلکه تجربه‌ای عمیقاً حسی، فضایی و زیسته است. در کنار این لایه‌های زیستی و اجتماعی، سازوکارهای نهادی و اجتماعی نقش مهمی در نظم‌دهی و زمان‌بندی فعالیت‌های شهری دارند. ریتم‌های رسمی و روتین (Official and Routine Rhythms)، مکانیزم‌های زمان‌بندی (Ordering Mechanism) و محدودیت‌های زمانی، همگی ابزارهایی برای مدیریت زمان در شهر به شمار می‌روند. با این حال، این نظم‌های رسمی اغلب در تضاد با ریتم‌های محلی و پنهان قرار می‌گیرند؛ ریتم‌هایی که از دل تجربه‌های زیسته و

آن ظاهر شدند که هر یک به یکی از ابعاد نظری، فضایی، زمانی یا تجربی مفهوم ریتم شهری اشاره داشتند. در مجموع، تعداد ۱۰۰ کد باز اولیه در این مرحله ثبت شد.

### • مرحله دوم: کدگذاری محوری

در این مرحله، کدهای استخراج‌شده بر اساس شباهت مفهومی و هم‌پوشانی نظری، در قالب خوشه‌های مفهومی طبقه‌بندی شدند. هدف از این مرحله، ساختاردهی به داده‌ها و بازشناسی حوزه‌های نظری بود که به صورت متواتر در ادبیات ریتم‌های شهری تکرار شده‌اند. بر این اساس، کدها در قالب پنج خوشه مفهومی **جدول ۵** گروه‌بندی شدند.

### • مرحله سوم: کدگذاری گزینشی

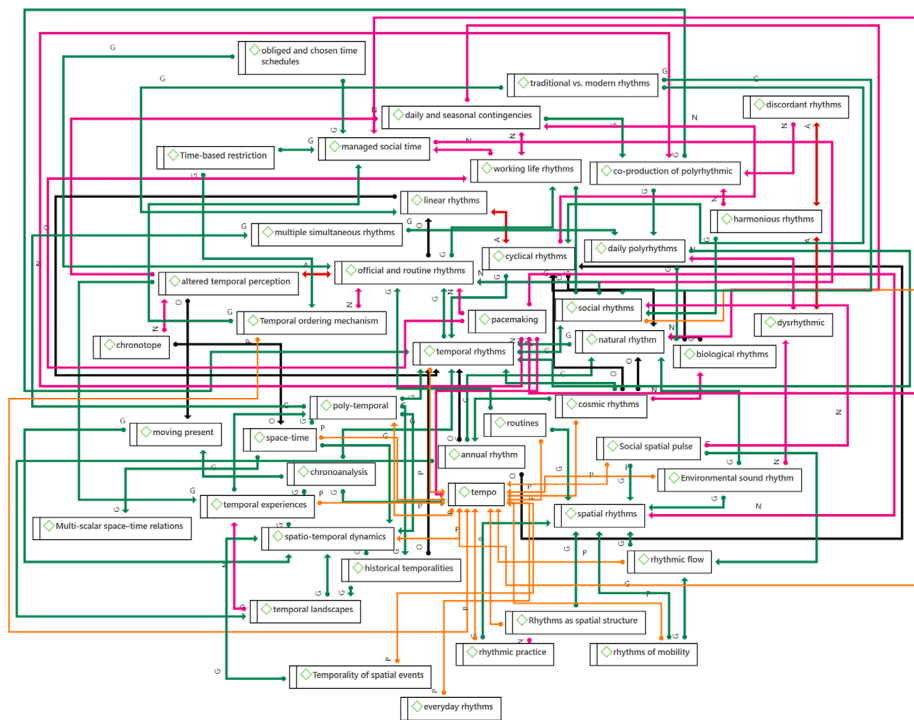
در مرحله نهایی، بر اساس روابط میان خوشه‌های مفهومی، مفهوم مرکزی «ریتم‌های شهری» به عنوان نقطه کانونی انتخاب شد که کلیه مفاهیم و دسته‌های نظری حول آن سازمان می‌یابند. در این چارچوب، ریتم‌های شهری به مثابه برایند تعامل دیالکتیکی میان زمان‌مندی‌های مختلف، فضاهای شهری، کنش‌های روزمره، نیروهای سیاسی و ساختارهای تولید فضا درک می‌شوند. بدین ترتیب، مدل مفهومی نهایی نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری نه پدیده‌ای منفرد، بلکه ساختاری چندبُعدی و پیچیده‌اند که در تقاطع شش حوزه نظری فوق تولید، تجربه و بازتولید می‌شوند.

### • لایه‌های تحلیلی و خوشه‌های مفهومی پژوهش

«خوشه مفهومی ساختارهای زمانی و ریتمیک» (Temporal and Rhythmic Structures) به مثابه یکی از بنیادین‌ترین ابعاد نظری در مطالعات ریتم‌های شهری، نظامی پیچیده و چندلایه از مفاهیم مرتبط با زمان‌مندی، ریتم‌مندی، هماهنگی، ناهماهنگی، شدت، تکرارپذیری و تنوع را در فضاهای شهری بازنمایی می‌کند. **تصویر ۷**، شبکه‌ای متراکم از مفاهیم را نشان می‌دهد که در قالب روابط علی، تضادی، سلسله‌مراتبی و ترکیبی به یکدیگر پیوند خورده‌اند.

جدول ۵. تفکیک مفاهیم به خوشه‌های مفهومی. مأخذ: نگارندگان.

ارتباط با مفهوم مرکزی ریتم‌های شهری	نقش مفهومی در مدل	خوشه مفهومی
بازنمایی ساختار زمان‌مند، چندریتمی، و دینامیک ریتم‌ها در شهر، ساختارهای زمانی، زمانهای نهادی شده، تحلیل زمان‌مندی رویدادها، ریتم‌های رسمی و غیررسمی	هسته ریتم‌شناختی (تحلیل مفهومی-زمانی)	ساختارهای زمانی و ریتمیک (Temporal and Rhythmic Structures)
بستر مادی-اجتماعی تولید و سازماندهی ریتم‌ها، از جمله مفاهیم فضاهای مطلق و تفاضلی	زمینه فضایی	نظریه فضایی و شهری (Spatial and Urban Theory)
بروز ریتم‌ها در کنش‌های روزمره، تجربه بدنمند، راه‌رفتن، مصرف فضا، ادراک ریتم‌ها از منظر بدن، حافظه جمعی، حواس چندگانه و تجربه روزمره در فضا	تجربه زیسته	کنش‌های روزمره و تجربه بدنمند (Everyday Practices and Embodiment)
نقش قدرت، سلطه، هویت، مشارکت و مقاومت اجتماعی در بازتولید یا اخلال در ریتم‌های شهری	بستر تضاد و مقاومت	ابعاد اجتماعی-سیاسی فضا (Socio-Political Dimensions)
نیروهای اقتصاد سیاسی، تولید سرمایه‌دارانه، کالایی‌سازی زمین و مداخلات دولتی در تولید فضا	سازوکارهای تولید فضا	تولید فضا و اقتصاد سیاسی (Production and Political Economy)



A=contradicts O=is a P=is a property of R=is associated with N=is cause of G=is part of

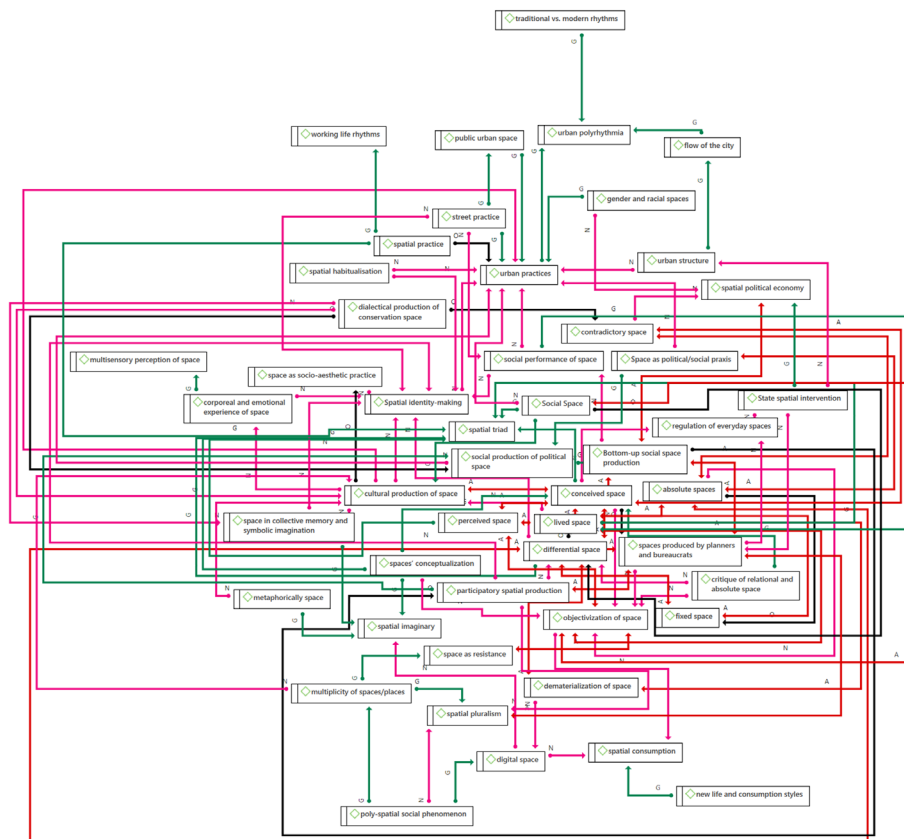
تصویر ۷. خوشه مفهومی ساختارهای زمانی و ریتمیک. مأخذ: نگارندگان ( خروجی برنامه اطلس تی).

در تحلیل «خوشه مفهومی نظریه فضایی و شهری» (Spatial and Urban Theory)، مجموعه‌ای چندلایه از مفاهیم نظری در تعامل پیچیده با یکدیگر قرار گرفته‌اند که ابعاد مختلف تولید، سازماندهی و بازنمایی فضا در بستر شهری را تبیین می‌کنند. نمودار ارائه‌شده، شبکه‌ای مفصل از ارتباطات میان کدهای باز را به تصویر می‌کشد که در آن، مفاهیمی همچون فضای اندیشیده (conceived space)، فضای مطلق (absolute space)، فضای تفاضلی (differential space) و ابزارسازی فضا (objectivization of space) به‌عنوان مفاهیم کلیدی ظاهر شده‌اند.

در مرکز این شبکه طبق تصویر ۸، «سه‌گانه فضایی لوفور» (spatial triad) به‌وضوح نقش ساختاردهنده دارد. «فضای اندیشیده» که در تصویر ۸ به‌عنوان علت مفاهیم متعددی چون «فضای تثبیت‌شده»، «فضای تولیدشده به دست برنامه‌ریزان» و «فضای مطلق» معرفی شده است، نشان‌دهنده قدرت دانش رسمی، برنامه‌ریزی و گفتمان‌های مسلط در تولید و تثبیت فضاهای شهری است. این فضاهای اندیشیده با مفاهیمی همچون «ابزارسازی فضا» و کالایی‌سازی زمین (commodification of land) در ارتباطی علی قرار دارند که به بازنمایی فضا به‌مثابه کالایی اقتصادی، مدیریت‌پذیر و قابل مصرف منجر می‌شود. از سوی دیگر، مفاهیمی همچون فضای تفاضلی (differential space)، فضا به‌مثابه کنش سیاسی-اجتماعی (space as political/social praxis)، فضا به‌مثابه مقاومت (space as resistance) و فضای اجتماعی از پایین (bottom-up social space production) در تضاد مستقیم با

زمان‌مندی‌های بومی شکل می‌گیرند و به شکلی خودجوش و غیررسمی در حیات شهری حضور دارند. تفاوت میان ریتم‌ها نیز یکی دیگر از ابعاد اساسی در فهم شهر است. ریتم‌های هماهنگ (Eurhythmia) و هم‌راستا، در برابر ریتم‌های ناهماهنگ (Arrhythmia)، آشفته یا متعارض قرار می‌گیرند و بدین ترتیب کیفیت‌های گوناگون زندگی شهری را آشکار می‌سازند. این تمایزها ما را قادر می‌سازد تا شکاف‌های ریتمیک، لحظات هم‌زمانی یا ناهماهنگی و پیامدهای آنها بر تجربه شهری را بهتر درک کنیم. قابل ذکر است که تجربه‌ی زمان در شهر صرفاً امری عینی و بیرونی نیست، بلکه به‌شدت با ادراک فردی و جمعی پیوند دارد. ادراک تغییریافته‌ی زمان (Altered Temporal Perception)، زیستن در «حال متحرک»، یا تجربه‌ی چشم‌اندازهای زمانی و مناظر کرونوتوبی، همگی نشان می‌دهند که زمان در شهر از خلال بدن، حافظه، احساس و فضا بازسازی می‌شود. بدین ترتیب، ریتم‌های شهری را باید نه صرفاً به‌عنوان الگوهای زمانی، بلکه به‌مثابه تجربه‌ی زیسته، بدنمند و فضا‌مند درک کرد.

خوشه «Temporal and Rhythmic Structures»، بنیان نظری اصلی برای تبیین مفهوم ریتم در بستر شهری محسوب می‌شود. به‌ویژه، روابط پیچیده میان ریتم‌های رسمی و زیسته، نظم‌های نهادی و تجربه‌های بدنمند، هم‌زیستی ریتم‌های هم‌زمان و تضاد میان آنها، نشان‌دهنده چند زمانی در شهر است. این چندزمانی و چندریتمی، نه‌تنها مبنای تحلیل ساختارهای شهری، بلکه محور درک پویایی زندگی روزمره در فضاهای شهری نیز هست.



A=contradicts O=is a P=is a property of R=is associated with N=is cause of G=is part of

تصویر ۸. خوشه مفهومی نظریه فضایی و شهری. مأخذ: نگارندگان (خروجی برنامه اطلس تی).

اجرای اجتماعی فضا (social performance of space)، این مفاهیم نشان می‌دهند که چگونه فضا می‌تواند از حالت همگن، نهادمحور و تثبیت‌شده خارج شده و به عرصه چندآوایی و باز برای کنش جمعی، بازنمایی بدیل و بازبایی قدرت اجتماعی بدل شود. همچنین با توجه به ارتباط میان مفاهیمی مانند ساخت هویت فضایی (spatial identity-making)، خیال‌پردازی فضایی (spatial imaginary)، فضا در حافظه جمعی و تخیل نمادین (space in collective memory and symbolic imagination)، این دسته مفاهیم به نقش تجربه‌های حافظه‌محور، نمادین و زیبایی‌شناسانه در سازمان‌یابی فضایی شهر اشاره دارند که پلی میان ساختارهای رسمی و تجربیات زیسته محسوب می‌شوند.

از منظر ارتباط با مفهوم مرکزی پژوهش یعنی ریتم‌های شهری، می‌توان گفت خوشه «نظریه فضایی و شهری»، نقش زیرساخت تحلیلی را ایفا می‌کند. ریتم‌های شهری در بستری رخ می‌دهند که از طریق گفتمان‌های برنامه‌ریزی‌شده، سازوکارهای سرمایه‌دارانه و نیروهای مردمی در حال کشمکش و بازتولید است. نوع فضاهایی که در شهر شکل می‌گیرند (مطلق، تفاضلی، تثبیت‌شده یا مقاومت‌زا)، مستقیماً بر شکل‌گیری و تلاقی ریتم‌های مختلف اجتماعی، بدنی، اقتصادی و فرهنگی اثرگذارند.

«خوشه مفهومی کنش‌های روزمره و تجربه بدنمند»

جریان‌های فوق‌تر قرار دارند. این مفاهیم، رویکردی انتقادی به تولید فضا ارائه می‌دهند که بر خلق فضا از سوی گروه‌های حاشیهای، کنش‌گران مردمی و نیروهای غیررسمی تأکید دارند و فضای شهری را به‌مثابه عرصه‌ای برای مقاومت، چانه‌زنی و بروز تفاوت‌ها تعریف می‌کنند.

در این خوشه مفهومی می‌توان دید که قدرت و سلطه فضایی (Power and Spatial Domination) بر مجموعه‌ای از مفاهیمی همچون فضای اندیشیده (Conceived Space)، فضای مطلق (Absolute Space)، فضای تثبیت‌شده (Fixed Space)، اقتصاد سیاسی فضا (Spatial Political Economy) فضاهایی که برنامه‌ریزان و بوروکرات‌ها تولید کرده‌اند (Produced by Planners and Bureaucrats Spaces) استوار است. روابط علی و سلسله‌مراتبی میان این مفاهیم نشان می‌دهد که فضا در بستر گفتمان‌های رسمی، فرایندهای برنامه‌ریزی و نیروهای اقتصاد سیاسی تثبیت و بازتولید می‌شود. این مسیر با مفاهیمی چون ابژه‌سازی فضا (Objectivization of Space) و غیرمادی‌سازی فضا (Dematerialization of Space) تقویت می‌شود که بیانگر تجزیه فضا به عنصری کمی، استانداردشده و غیرحسی هستند.

با توجه به ارتباط میان مفاهیمی مانند فضای تفاضلی (differential space)، فضا به‌مثابه مقاومت (space as resistance)، تولید مشارکتی فضا (participatory spatial production, heterotopia)،

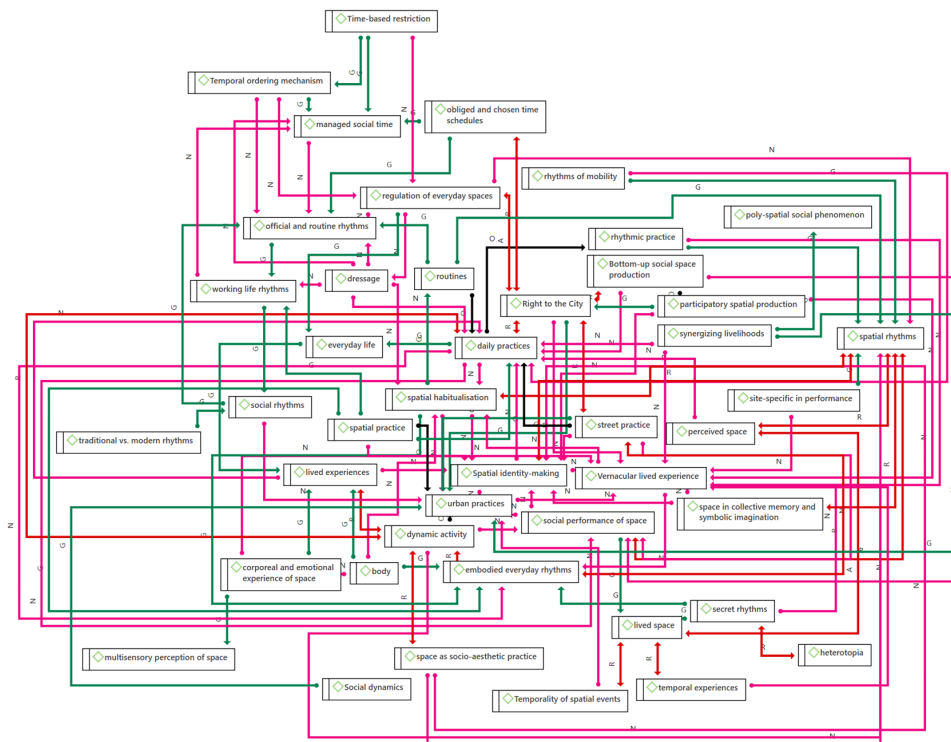
نشان می‌دهند که فضا نه تنها از طریق مشاهده، بلکه از طریق حرکت، احساس، لمس، صدا و حافظه بدن تجربه می‌شود. این تجربه بدنمند، عامل پیوند بین ریتم‌های فیزیکی (مانند راه رفتن، نشستن، کار کردن) و نظم‌های اجتماعی در فضا است.

مفاهیمی مانند ریتم‌های کار و زندگی (working life rhythms)، ریتم‌های اجتماعی (social rhythms)، ریتم‌های حرکت و جابه‌جایی (rhythms of mobility) و تجربه زیسته بومی (vernacular lived experience)، به بازتاب ریتم‌هایی اشاره دارند که فعالیت‌های روزانه و تعاملات اجتماعی آنها را می‌سازند. این ریتم‌ها می‌توانند در تضاد با ریتم‌های رسمی و نهادی باشند و اغلب در مفهوم کنش‌های فضایی تجسد می‌یابند که به‌عنوان میدان اصلی تلاقی بدن، فضا، زمان و جامعه تعریف می‌شود. مفاهیمی چون فضای زیسته، اجرا یا کنش در مکان مشخص، فضا در حافظه جمعی و تخیل نمادین (space in collective memory) و فضا به‌مثابه کنش زیباشناسانه-اجتماعی (Space as Socio-Aesthetic)، به لایه‌های فرهنگی، نمادین و ذهنی زندگی روزمره در فضا اشاره دارند. این مفاهیم از طریق «خاطره»، «اجرا»، و «زیبایی‌شناسی» بر معنابخشی به فضا تأکید دارند و فضا را نه به‌عنوان پس‌زمینه‌ای خنثی، بلکه به‌مثابه تجربه‌ای فعال، احساسی و فرهنگی درک می‌کنند.

خوشه مفهومی (Everyday Practices and Embodiment) با تأکید بر ریتم‌های بدنمند، اجتماعی، روزمره و حسی، زیرساخت تجربی شکل‌گیری ریتم‌های شهری را فراهم می‌آورد. ریتم شهری در بستر عادت‌های روزمره، حرکات بدنی، تجربه‌های زیسته و

یکی از بنیادین‌ترین (Everyday Practices and Embodiment) بسترهای مفهومی برای درک ریتم‌های شهری است. مفاهیم این خوشه عمدتاً با تجربه زیسته، بدن، عادت‌های فضا-زمانی و زندگی روزمره در تعامل‌اند و شبکه‌های پیچیده از روابط بین مفاهیم «بدن»، «عمل»، «ادراک» و «ریتم» را شکل می‌دهند. در مرکز این شبکه، مفاهیمی مانند کنش‌های روزمره (daily practices)، ریتم‌های بدنمند روزمره (embodied everyday rhythms)، کنش فضایی (spatial practice) و کنش‌های شهری (urban practices) قرار دارند که نقش زیربنایی در شکل‌دهی به تجربه فضایی و زمانمند شهر دارند. این مفاهیم نشان می‌دهند که ریتم‌های شهری، پیش از آن‌که برنامه‌ریزان یا نهادها آنها را تولید کنند، از طریق تکرارهای بدنمند در زندگی روزمره شکل می‌گیرند.

با توجه به تصویر ۹، مفاهیمی مانند روال‌ها (routines)، عادت‌مندی فضایی (spatial habituation)، ریتم‌های رسمی و روزمره (Official and Routine Rhythms) و تنظیم فضاهای روزمره (regulation of everyday spaces)، به چگونگی تثبیت ریتم‌ها از طریق کنش‌های مکرر اشاره دارند. این تکرارها منجر به بازتولید نظم اجتماعی-فضایی (Socio-Spatial Order) و ایجاد فضای عادت‌مند (Habitualised Space) می‌شوند که به شکل‌گیری هویت فضایی و احساس مکان کمک می‌کنند. مفاهیمی چون بدن (body)، تجربه بدنی و عاطفی فضا (corporeal and emotional experience of space)، ادراک چند حسی فضا (multisensory perception of space)، تربیت بدن (dressage)،

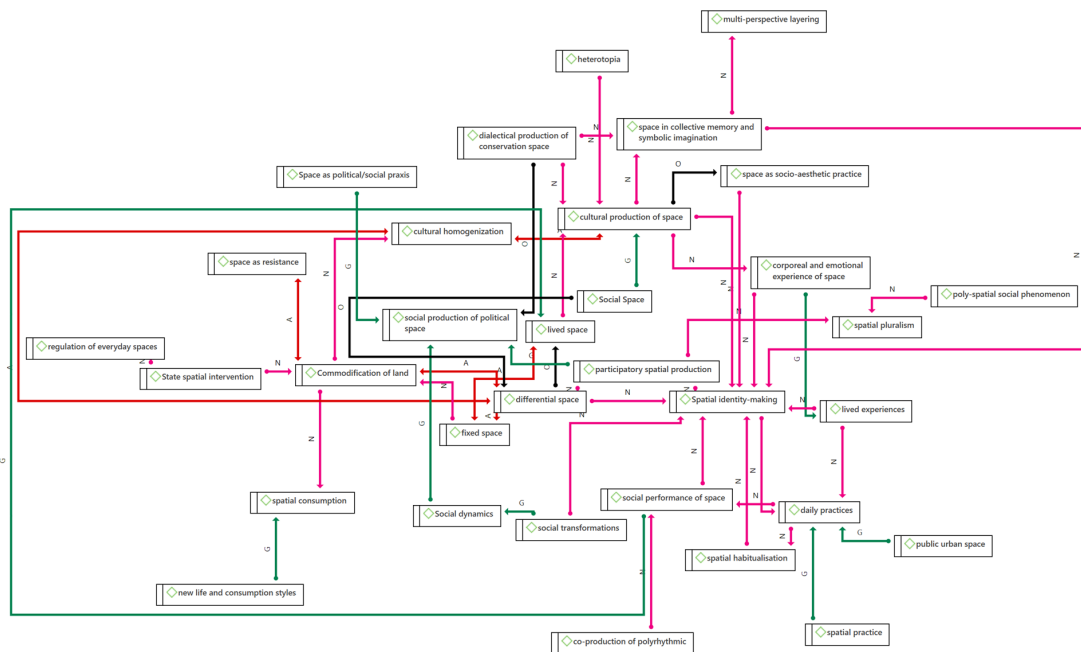


A=contradicts O=is a P=is a property of R=is associated with N=is cause of G=is part of

تصویر ۹. خوشه مفهومی کنش‌های روزمره و تجربه بدنمند. مأخذ: نگارندگان (خروجی برنامه اطلس تی).

این فضاهای تثبیت شده و مدیریت شده، با مفاهیمی چون فضا به مثابه مقاومت (space as resistance)، فضای تفاضلی (differential space) و فضای ناهمگون (heterotopia) در تقابل مفهومی قرار دارند و تضاد میان فضاهای رسمی/اداری و فضاهای مقاومت/تخیل را نمایان می‌سازند همچنین مفاهیمی چون تولید فرهنگی فضا (cultural production of space)، فضا در حافظه جمعی و تخیل نمادین (space in collective memory and symbolic imagination) لایه‌بندی چند دیدگاهی (multi-perspective layering)، ساخت هویت فضا (Spatial Identity-Making) و فضا به مثابه کنش زیباشناختی-اجتماعی (social space as socio-aesthetic practice)، نشان می‌دهند که فضا از طریق فرهنگ، حافظه جمعی و مشارکت اجتماعی معنا سازی می‌شود. این ساختارها در راستای مفاهیم مشارکتی مانند تولید مشارکتی فضا (participatory spatial production) و کثرت گرایی (spatial pluralism) به عنوان ابزارهایی برای بازسازی فضا و خلق هویت اجتماعی ظاهر می‌شوند. تصویر ۱۰ نشان می‌دهد که روابط تضادی مشخصی میان مفاهیم مداخله فضایی دولت (state spatial intervention) و همگن سازی فرهنگی (cultural homogenization) و فضای تثبیت شده با مفاهیمی مانند فضا به مثابه مقاومت، فضای تفاضلی (differential space)، فضای ناهمگون و تجربه زیسته بومی ترسیم می‌کند. این تضادها بیانگر دینامیکی دیالکتیکی در تولید فضا هستند که طی آن ساختارهای سلطه دائماً با شکل گیری فضاهای حاشیهای، خلاق، مقاوم و چندآوایی به چالش کشیده می‌شوند. این خوشه مفهومی نشان می‌دهد که بستر اجتماعی و سیاسی،

فضاهای عمومی و خیابانی تحقق می‌یابد. این خوشه نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری نه تنها بازتاب ساختارهای کلان اقتصادی یا فضایی اند، بلکه نتیجه کنش‌های انباشته خرد، بدنمندی، و تکرار شونده در طول زمان هستند. به ویژه، تضاد بین «ریتم‌های رسمی» و «تجربه‌های محلی» نقش مهمی در ایجاد شکاف یا همزیستی چندریتمی (urban polyrhythmia) در شهر ایفا می‌کند. «خوشه مفهومی ابعاد اجتماعی-سیاسی فضا» (Socio-Political Dimensions)، چشم‌اندازی ساختاری و انتقادی از تولید و بازتولید فضا در بستر روابط قدرت، مقاومت اجتماعی، مصرف فضایی و ایدئولوژی‌های غالب ارائه می‌دهد. شبکه ترسیم شده در این بخش، مجموعه پیچیده از مفاهیم و روابط را دربر دارد که بنیاد تحلیل ریتم‌های شهری را از منظر اقتصاد سیاسی و نظریه‌های انتقادی شکل می‌دهد. در قلب این خوشه، مفاهیم تولید اجتماعی فضای سیاسی (social production of political space)، فضا به مثابه کنش سیاسی-اجتماعی (space as political/social praxis) و مداخله فضایی دولت (state spatial intervention) قرار گرفته‌اند. این مفاهیم نشان می‌دهند که فضا نه امری خنثی، بلکه ساختاری ایدئولوژیک، برنامه‌ریزی شده و در خدمت منافع خاص است. مداخلات فضایی دولت و فرایندهای سیاسی، شکل فیزیکی، اجتماعی و ریتم‌مند فضا را تعیین می‌کنند. با توجه به تصویر ۱۰، مفاهیمی مانند کالایی سازی زمین (commodification of land)، مصرف فضا (spatial consumption) و فضای تثبیت شده (fixed space)، همراه با نظم بخشی به فضاهای روزمره (regulation of everyday spaces)، بازتاب دهنده مکانیزم‌هایی هستند که فضا را به ابژهای کالایی تبدیل می‌کنند.



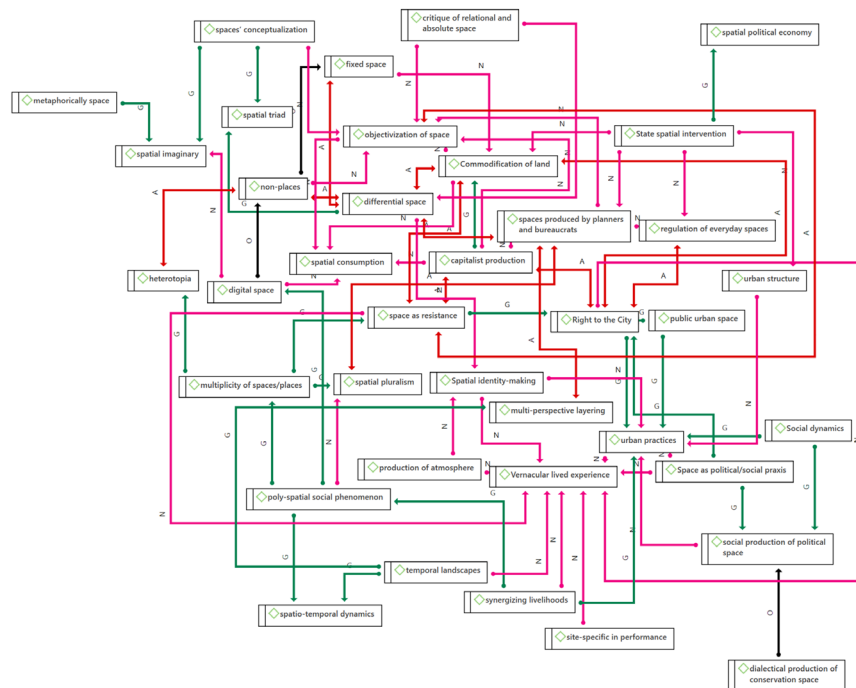
A=contradicts O=is a P=is a property of R=is associated with N=is cause of G=is part of

تصویر ۱۰. خوشه مفهومی ابعاد اجتماعی-سیاسی فضا. مأخذ: نگارندگان (خروجی برنامه اطلس تی).

و ایدئولوژیک برجسته می‌سازد که با هدف تثبیت ساختارهای قدرت انجام می‌شود. مفاهیمی چون فضای ناهمگون، فضای تفاضلی، فضا به مثابه مقاومت، نقد فضای نسبی و مطلق (Critique of Relational and Absolute Space) نمایانگر گفتمان انتقادی در برابر فضاهای تثبیت‌شده و سلطه‌گرند. این مفاهیم بر تنوع، تکثر، تجربه زیسته و امکان خلق فضاهای بدیل تأکید دارند. مفهوم تجربه زیسته بومی نیز به‌عنوان منشأ مقاومت‌های روزمره، تجربیات بومی و تکوین حق به فضا مطرح می‌شود. مفاهیمی چون فضای دیجیتال، نامکان‌ها (non-places)، تخیل فضایی (spatial imaginary)، مصرف فضایی (Spatial Consumption) به نحوه بازنمایی، مصرف و تجربه‌گرایی فضا در شهرهای معاصر می‌پردازند. این مفاهیم تأکید می‌کنند که فضاها، به ویژه در بستر سرمایه‌داری متأخر، به عرصه‌هایی برای مصرف نمادین، تجاری و دیجیتالی شده بدل شده‌اند که در تضاد با فضاهای زیسته و تجربی قرار می‌گیرند. مفاهیمی مانند چندگانگی فضا/مکان‌ها (multiplicity of spaces/places)، پدیده اجتماعی (poly-spatial social phenomenon)، کثرت‌گرایی فضایی (spatial pluralism)، لایه‌بندی چند دیدگاهی (multi-perspective layering)، پویایی‌های فضا-زمانی (spatio-temporal dynamics) نشان می‌دهند که فضا در شهر معاصر پدیده چندریخت، چندمقیاسی، و چندلایه است که نمی‌توان آن را با یک چارچوب تقلیل‌گرایانه تحلیل کرد. این مفاهیم بنیانی برای نظریه‌پردازی در خصوص چندریختی ریتم‌های شهری و تعدد الگوهای فضایی هستند. این خوشه

کنترل یا اخلال در ریتم‌های شهری را فراهم می‌سازد. مداخلات دولتی، کالایی‌سازی زمین، و نظم‌های مصرفی، منجر به خلق ریتم‌هایی یکنواخت، مدیریتی و غیرمحملی می‌شوند. در مقابل، مشارکت مردمی، تولید اجتماعی فضا، مقاومت فرهنگی، و تخیل جمعی، زمینه‌ساز ایجاد ریتم‌هایی بدیل، بدنی، محلی و چندریخت هستند. «خوشه مفهومی تولید فضا و اقتصاد سیاسی» (Production and Political Economy)، چارچوبی انتقادی و نظاممند برای تبیین فرایندهای شکل‌گیری، مدیریت و مصرف فضا در بستر روابط اقتصادی، نهادی و ایدئولوژیک فراهم می‌آورد. این خوشه از سنت‌های نظری متأثر از اندیشه‌های هانری لوفور، مانوئل کاستلز و نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی فضا بهره گرفته و نقش ساختارهای قدرت، سیاست، سرمایه و تخیل اجتماعی را در سازمان‌دهی فضاهای شهری نشان می‌دهد.

در قلب این شبکه طبق تصویر ۱۱، مفاهیمی چون ابره‌سازی فضا (objectivization of space)، کالایی‌سازی زمین (commodification of land)، تولید سرمایه‌دارانه (capitalist production) و فضای تثبیت شده نمایان‌گر نظامی خطی و سلسله‌مراتبی‌اند که در آن، فضا از طریق فرایندهای تولید سرمایه‌دارانه، به یک شیء همگن، مصرف‌پذیر و مدیریت‌پذیر تبدیل می‌شود. این روند در پیوند با مفاهیمی چون مداخله فضایی دولت (state spatial intervention)، اقتصاد سیاسی فضا (Spatial Political Economy)، فضاهایی که برنامه‌ریزان و بوروکرات‌ها تولید کرده‌اند (spaces produced by planners and bureaucrats) فرایند تولید فضا را به‌عنوان فعالیتی برنامه‌ریزی‌شده، بوروکراتیک



A=contradicts O=is a P=is a property of R=is associated with N=is cause of G=is part of

تصویر ۱۱. خوشه مفهومی تولید فضا و اقتصاد سیاسی. مأخذ: نگارندگان (خروجی برنامه اطلس تی).

بنیادین، نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری ترکیبی از الگوهای زمانی زیستی، اجتماعی، فضایی و نهادی‌اند که در هم‌زیستی یا تضاد با یکدیگر، نظم‌های شهری را شکل می‌دهند. این خوشه، مفاهیمی چون چندریتمی (polyrhythmia)، ریتم‌های ناهماهنگ (discordant rhythms)، ریتم‌های بدنمند (embodied rhythms) و نظم‌دهی زمانی (temporal ordering) را در شبکه‌های تودرتو با تجربه‌های بدنمند و سازوکارهای مدیریتی زمان پیوند می‌دهد و بر ماهیت چندزمانی و چندریتمی شهر معاصر تأکید می‌کند.

خوشه نظریه فضایی و شهری، با تمرکز بر سه‌گانه فضایی لوفور، نشان می‌دهد که ریتم‌ها در بستری فضایی شکل می‌گیرند که خود محصول تضاد میان فضاهای تثبیت‌شده، کالایی‌شده و فضاهای مقاومت و بازنمایی هستند. از خلال مفاهیمی همچون فضای اندیشیده، فضای تفاضلی و خیال‌پردازی فضایی، این خوشه بنیان فضا‌مند ریتم‌ها را در گفتمان‌های قدرت، برنامه‌ریزی و تجربه‌های زیسته‌بازخوانی می‌کند.

خوشه کنش‌های روزمره و تجربه بدنمند، سطح عملی و تجسم‌یافته ریتم‌های شهری را برجسته می‌سازد. تحلیل مفاهیمی چون کنش‌های روزمره (daily practices)، ریتم‌های بدنمند (embodied rhythms)، کنش‌های فضایی (spatial practice) نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری نه تنها در سطح نهادی، بلکه در کنش‌های خرد، تکرارشونده و بدن‌محور زندگی روزمره ساخته و بازتولید می‌شوند. خوشه ابعاد اجتماعی-سیاسی فضا، بعداً پدیدآورنده، مقاومتی و هویتی تولید فضا را برجسته می‌کند. مفاهیمی چون مداخله فضایی دولت (state spatial intervention)، هم‌کن‌سازی فرهنگی (cultural homogenization)، تولید مشارکتی فضا (participatory spatial production) و حق شهر، بیانگر این نکته‌اند که ریتم‌های شهری بازتابی از تنش میان نظم‌های رسمی، مقاومت‌های محلی و مشارکت‌های اجتماعی‌اند و فضا، صحنه‌ای برای چنان‌زنی زمانی و سیاسی میان گروه‌های مختلف است.

خوشه تولید فضا و اقتصاد سیاسی، لایه ساختاری و کلان نظری تحلیل را فراهم می‌سازد. تحلیل مفاهیمی نظیر تولید سرمایه‌دارانه (capitalist production)، اقتصاد سیاسی فضا (spatial political economy)، کالایی‌سازی

نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری تنها نظم‌هایی زمانی نیستند، بلکه برآمده از منطق‌های تولید فضا هستند. ریتم‌هایی که برنامه‌ریزان و سازوکارهای نهادی ایجاد می‌کنند، مانند ریتم‌های رسمی یا زمان مدیریت شده، در تعامل یا تضاد با ریتم‌هایی هستند که از تجربه‌های بومی، حق به شهر یا تخیل جمعی پدید می‌آیند.

### • سنتز یافته‌ها: مدل یکپارچه ریتم‌های شهری

اگرچه تحلیل تفصیلی خوشه‌های مفهومی نشان‌دهنده تنوع و پیچیدگی بالای متغیرهای مرتبط با ریتم‌های شهری است، اما یافته‌های این پژوهش در سطحی انتزاعی‌تر قابل بازسازی در قالب چهار حوزه تحلیلی کلان است: زیرساخت‌های زمانی-ریتمیک، سازوکارهای فضایی-ساختاری، کنش‌های بدنمند روزمره، و نیروهای اجتماعی-سیاسی و اقتصاد سیاسی. این چارچوب نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری نه محصول یک بُعد منفرد، بلکه برآیند تعامل دیالکتیکی میان زمان‌مندی، ساختار فضایی، تجربه زیسته و روابط قدرت هستند. چنین بازطبقه‌بندی‌ای امکان کاهش پراکندگی مفهومی، افزایش خوانایی تحلیلی، و درک کاربردی‌تر از الگوهای نظری شناسایی‌شده را فراهم می‌کند و ریتم شهری را به مثابه پدیده‌ای فرایندی، چندسطحی و منازعه‌محور بازتعریف می‌کند.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش، با اتخاذ رویکردی تلفیقی و بهره‌گیری از روش‌های تحلیل کتاب‌سنجی و فراترکیب کیفی نظام‌مند، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین بود که حوزه‌های نظری اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری کدام‌اند و چگونه می‌توان آنها را از طریق تحلیل مفهومی ساختاریافته شناسایی، طبقه‌بندی و در قالب شبکه‌های مفهومی بازشناسی کرد؟ به‌منظور پاسخ‌گویی دقیق به این پرسش، تحلیل بیش از ۵۰۰ مقاله علمی کیفی و نظری در بازه سده‌های منجر به شناسایی پنج خوشه مفهومی اصلی شد که هر یک، لایه‌ای از پیکره پیچیده و چندبعدی نظریه‌پردازی در حوزه ریتم‌های شهری را بازنمایی می‌کنند: خوشه ساختارهای زمانی و ریتمیک به‌عنوان زیرساخت مفهومی



تصویر ۱۲. حوزه‌های نظری و شاخه‌های اصلی مرتبط با ریتم‌های شهری. مأخذ: نگارندگان.

life. Continuum.

- Marston, S. A. (2000). The social construction of scale. *Progress in Human Geography*, 24(2), 219–242. <https://doi.org/10.1191/030913200674086272>
- Muliček, O., Osman, R., & Seidenglanz, D. (2015). Urban rhythms: A chronotopic approach to urban timespace. *Time & Society*, 24(3), 304–325. <https://doi.org/10.1177/0961463X14535905>
- Paiva, D. (2016). Experiencing virtual places: insights on the geographies of sim racing. In R. M. Idrus & N. Zainuddin, (Eds.). *Mediated Geographies and Geographies of Media*, (pp.159-175). Springer.
- Ramos, R., Rita, P., & Vong, C. (2024). Mapping research in marketing: Trends, influential papers, and agenda for future research. *Spanish Journal of Marketing - ESIC*, 28(2), 187–206. <https://doi.org/10.1108/SJME-10-2022-0221>
- Roy, A. (2009). Why India cannot plan its cities: Informality, insurgence and the idiom of urbanization. *Planning Theory*, 8(1), 76–87. <https://doi.org/10.1177/1473095208099299>
- Simpson, P. (2012). Apprehending everyday rhythms: Rhythmanalysis, time-lapse photography, and the space-times of street performance. *Cultural Geographies*, 19(4), 423–445. <https://doi.org/10.1177/1474474012443201>
- Smith, N. (2008). *Uneven development: Nature, capital, and the production of space* (3rd ed.). University of Georgia Press.
- Wunderlich, F. M. (2008). Walking and rhythmicity: sensing urban space. *Journal of Urban Design*, 13(1), 125–139. <https://doi.org/10.1080/13574800701803472>
- Yiftachel, O. (2009). Critical theory and ‘gray space’: Mobilization of the colonized. *City*, 13(2-3), 246–263. <https://doi.org/10.1080/13604810902982227>
- Yiftachel, O., & Yacobi, H. (2003). Urban ethnocracy: Ethnicization and the production of space in an Israeli “mixed city”. *Environment and Planning D: Society and Space*, 21(6), 673–693. <https://doi.org/10.1068/d47j>

زمین (commodification of land) و فضای تفاضلی (differential space) نشان می‌دهد که ریتم‌های شهری با فرایندهای تولید فضا پیوندی تنگاتنگ دارند. به‌ویژه، ریتم‌های رسمی و خطی شهری عمدتاً محصول منطق کالایی و نظم‌های برنامه‌ریزی‌شده‌اند، در حالی که ریتم‌های محلی و بدیل، زاده مقاومت، تخیل و زیست هستند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش بر این نکته دلالت دارند که ریتم‌های شهری پدیده‌هایی چندلایه و مفهومی‌اند که از تلاقی سازوکارهای فضایی، زمانی، اجتماعی، بدنمند و سیاسی شکل می‌گیرند. درک نظری ریتم‌های شهری، بدون بازشناسی و طبقه‌بندی این حوزه‌های مفهومی و بررسی روابط میان آنها ممکن نیست. از این رو، مدل مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش، نه‌تنها به‌مثابه ابزاری برای تحلیل پیچیدگی‌های زمانی-فضایی زندگی شهری، بلکه به‌عنوان بنیانی نظری برای توسعه پژوهش‌های آینده در حوزه ریتم‌شناسی فضایی-اجتماعی شهر معاصر قابل بهره‌برداری است.

### فهرست منابع

- Brenner, N. (2000). The urban question as a scale question: Reflections on Henri Lefebvre, urban theory and the politics of scale. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(2), 361–378. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.00234>
- Edensor, T. (2010a). *Geographies of Rhythm: Nature, Place, Mobilities and Bodies*. Ashgate Publishing.
- Edensor, T. (2010b). Walking in rhythms: Place, regulation, style, and the flow of experience. *Theory, Culture & Society*, 27(1), 35–56. <https://doi.org/10.1177/0263276409356084>
- Edensor, T., & Holloway, J. (2008). Rhythmanalysing the coach tour: The Ring of Kerry, Ireland. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 33(4), 483–501. <https://doi.org/10.1111/j.1475-5661.2008.00318.x>
- Lefebvre, H. (2004). *Rhythmanalysis: Space, time and everyday*

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

مسیبی، عظیمه و قلعه‌نویی، محمود. (۱۴۰۵). بازشناسی حوزه‌های نظری مرتبط با ریتم‌های شهری با به کارگیری فراترکیب نظام‌مند. *باغ نظر*، ۲۳ (۱۵۷)، ۳۱–۴۶.

DOI: [10.22034/bagh.2026.552487.5912](https://doi.org/10.22034/bagh.2026.552487.5912)

URL: [https://www.bagh-sj.com/article\\_242870.html](https://www.bagh-sj.com/article_242870.html)

